



جهش ۶۳ درصدی بزرگترین هلدینگ بازار سرمایه ایران

بر اساس صورت مالی یک ساله حسابرسی نشده شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس که امروز در کدال منتشر شده است، بزرگترین هلدینگ پتروشیمی ایران با ثبت بیش از ۹۳ هزار میلیارد تومان درآمد عملیاتی و سود عملیاتی ۹۱ هزار و ۷۴۶ میلیارد تومانی توانست رشد ۳۹.۳ درصدی سود عملیاتی در سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۴ را نسبت به سال مالی منتهی به ۳۱ خرداد ۱۴۰۳ به ثبت برساند. شرکت صنایع پتروشیمی خلیج فارس در این مدت همچنین توانست با ثبت سود خالص ۱۲۶ هزار و ۱۴۵ میلیارد تومان رکورد جدیدی در سودآوری این شرکت در تاریخ فعالیت خود ثبت کند. فارس با افزایش ۴۹ هزار میلیارد تومانی سود خالص در سال مالی منتهی به خرداد ۱۴۰۴ نسبت به سال قبل تر، توانست ۶۳.۳ درصد سودآوری بیشتر نسبت به مدت مشابه را ثبت کند و سود پایه هر سهم را از ۷۷۸ ریال به ۱۲۷۴ ریال برساند. این شرکت با ارزش بازار سهام حدود ۶۵۰ هزار میلیارد تومان موفق به کسب بیشترین سود در بین همه شرکتهای بورسی شد؛ بطوریکه تنها شرکت بورسی است که به سود بالای ۱۰۰ هزار میلیارد تومانی دست یافته است و سود امسال هلدینگ خلیج فارس به تنهایی نزدیک به ۱۰ درصد سود کل شرکتهای پذیرفته شده در بازار سرمایه است که نشان دهنده اهمیت این هلدینگ در فضای کسب و کار کشور است.



بدهی یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورویی بابک زنجانی

بانک مرکزی اعلام کرد بابک زنجانی جز پرداخت ۱۵ میلیون دلار، بدهی ۱/۹۶۷ میلیارد یورویی خود را تسویه نکرده و رمزارزهای ادعایی او نیز بی ارزش است. به گزارش تسنیم، بانک مرکزی با تأکید بر عدم تسویه بدهی یک میلیارد و ۹۶۷ میلیون یورویی بابک زنجانی محکوم قضایی و همچنین رمزارزهای ادعایی این ابربدحکار که فاقد ارزش معاملاتی است تأکید کرد: محکوم علیه تاکنون هیچ اقدامی به جز تسویه معادل ۱۵ میلیون دلار انجام نداده و طبق دستور مقام قضایی در خرداد ۱۴۰۴ می بایست تمام بدهی خود را ظرف مدت یک ماه به صورت یورو پرداخت می کرد. به رغم چندین بار اعلام علنی و نامه های رسمی مراجع ذیصلاح به نامبرده، محکوم علیه بابک زنجانی نه تنها هیچ اقدامی جهت تسویه بدهی خود به بیت المال نکرده است بلکه با اظهارات و ادعاهای مجرمانه جدید، اقدامات خود در جهت افزایش و تشویش افکن عمومی و فرار از پرداخت بدهی سنگین خود را ادامه می دهد. محکوم علیه به سایر تعهدات خود در بازپرداخت بدهی به بیت المال عمل نکرده است و مراتب به قوه قضائیه اعلام گردیده و در این راستا، بانک مرکزی تابع دستورات مقامات محترم قضایی است.

تسویه ۸۶ درصدی مطالبات کشاورزان

مدیرعامل شرکت بازرگانی دولتی ایران از وارز بالغ بر ۲۱ هزار میلیارد تومان دیگر به حساب گندمکاران خبر داد. به گزارش ایلنا، سعید ارد، گفت: با این اقدام، مجموع پرداختی ها به ۶۰۲ هزار کشاورز به حدود ۱۳۶ همت رسیده و به این ترتیب، ۸۶ درصد از ارزش ریالی کل گندم های خریداری شده تسویه شده است. او با اعلام خرید ۷ میلیون و ۶۶۹ هزار تُن گندم از کشاورزان، افزود: این محصول ارزشمند در قالب یک میلیون و ۳۱۲ هزار تُن محموله، از طریق یک هزار و ۱۴۰ مرکز خرید در ۳۱ استان کشور تحویل گرفته شده است. راد با تأکید بر آنکه این حجم عظیم گندم، حاصل تلاش های بی وقفه و شبانه روزی نیم میلیون کشاورز ایرانی است، گفت: با وجود کاهش کم سابقه بارندگی ها و چالش های ناشی از کم آبی در بسیاری از مناطق کشور، کشاورزان با همت مثال زدنی و اعتماد قابل تقدیر، ماهانه بیش از یک و نیم میلیون تُن گندم به مراکز خرید دولتی تحویل داده اند و دولت نیز با تمام توان در کنار آنها ایستاده است.



تعلیق در آتش بس

۹۰ درصد کسب وکارها در دوره جنگ دچار «افت تولید» یا «توقف تولید» شدند

کسب وکارها در دوران پساجنگ شناخته شده است. ۹۰ درصد کسب وکارها این ابزار حمایتی را موثر می دانند. بیش از ۸۰ درصد پاسخ دهندگان نیز «ارائه تسهیلات (وام کم بهره)» و «تسهیل دسترسی یا تخصیص ارز» را به عنوان اقدامات حمایتی دولت موثر می دانند.

❖ زیان هر کسب و کار تا ۱۰۰ میلیارد تومان

الگوی توزیع پاسخ ها نشان دهنده ی غلبه ی تاثیرات منفی شدید جنگ بر بخش خصوصی است. نه تنها کاهش درآمد، بلکه دامنه ی این کاهش و سرعت آن می تواند تبعاتی مانند تعدیل نیرو، تعطیلی پروژه ها و توقف تصمیم گیری ها را در پی داشته باشد که در تحلیل های بعدی باید به آن پرداخته شود.

زیان مستقیم ناشی از هزینه توقف، خسارت فیزیکی و جابه جایی در مدت ۱۲ روز جنگ نیز چشم گیر بوده است. به طوری که ۴۱ درصد از کسب وکارهای کوچک متحمل بیش از ۱ میلیارد تومان، ۳۱ درصد از کسب وکارهای متوسط متحمل بیش از ۱۰ میلیارد تومان و ۲۹ درصد از کسب وکارهای بزرگ متحمل بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان ضرر شده اند. داده های این نمودار به روشنی گواه آن هستند که جنگ، حتی در بازه ای کوتاه مدت، می تواند منجر به اختلال جدی در جریان درآمدی شرکت ها شود. چنین نوسانی نه تنها برای سیاست گذاران، بلکه برای سرمایه گذاران و مدیران نیز زنگ هشدار برای بازنگری در برنامه های تاب آوری مالی و تنوع بخشی به منابع درآمدی تلقی می شود.

در دوره جنگ، شدت کاهش گردش مالی کسب وکارها متناسب با اندازه آن ها متفاوت بوده است. داده ها نشان می دهد شرکت های کوچک آسیب پذیرترین گروه بوده اند؛ به گونه ای که حدود ۶۳ درصد آن ها با افت نقدینگی بیش از ۵۰ درصد مواجه شده اند. این رقم برای شرکت های بزرگ ۴۷ درصد بوده که هر چند پایین تر است، اما همچنان سهم قابل توجهی محسوب می شود. در مقابل، شرکت های بزرگ و متوسط توان بیشتری در تاب آوری داشته اند. این روند نشان می دهد که بحران جنگ اگر چه بر تمامی بنگاه ها اثر گذاشته، اما فشار آن بر شرکت های کوچک شدیدتر و مستقیم تر بوده است؛ مسئله ای که می تواند پیامدهای مهمی بر بقا و اشتغال بیش از ۸۰ درصد بنگاه های خصوصی کشور داشته باشد.

تأثیر جنگ بر فعالیت های مختلف متفاوت بوده است اگر چه به طور کلی تمامی بخش ها به جز بخش حمل و نقل، حداقل ۵۰ درصد کاهش نقدینگی در زمان جنگ را تجربه کرده اند؛ اما بخش تولیدی (صنعتی) و بخش فناوری اطلاعات به ترتیب به میزان ۶۹ درصد و ۶۳ درصد بیش از ۵۰ درصد کاهش نقدینگی در زمان جنگ داشته اند. بخش حمل و نقل کمترین تأثیر منفی را دریافت کرده است به نحوی که ۲۵ درصد هیچ تغییری در درآمدها نداشته اند.

پساجنگ، بخش دارویی و بهداشتی (۶۰ درصد) و فناوری و اطلاعات (۴۲ درصد) توانسته اند سریع تر به شرایط عادی فروش و رونق بازگردند. در مقابل ۷۰ درصد بخش تولیدی هنوز توانسته است به شرایط پیش از جنگ بازگردد. «کمبود نقدینگی و منابع مالی» مهم ترین مانع کسب وکارها برای احیای پس از جنگ است. ۶۰ درصد پاسخ دهندگان اعلام کرده اند با این مسئله مواجه اند و ۳۶ درصد کسب وکارها، موضوع «ابهام و عدم قطعیت نسبت به تکرار درگیری» را مهمترین مانع برای از سرگیری فعالیت های خود می دانند. ۳۲ درصد شرکت ها اعلام کرده اند برای مواجه شدن با شرایط پساجنگ تعدیل نیروی کار را در دستور کار قرار داده اند و ۳۶ درصد شرکت ها به دنبال تعطیلی بخشی یا تمامی فعالیت های کسب وکار خود هستند. ۳۸ درصد کسب وکارها نیز، برای حفظ تاب آوری، «تقویت ذخایر مالی اضطراری (صندوق اضطراری)» را در برنامه خود قرار داده اند.

❖ پیش بینی کاهش تولید تا سه ماه آینده

نتایج نظرسنجی اخیر نشان می دهد که چشم انداز کسب وکارها در سه ماه آینده منفی است و تأثیرات شرایط اقتصادی و بحران های جاری به وضوح در عملکرد عمدتاً شرکت ها قابل مشاهده است. بیش از نیمی از کسب وکارها (۵۵ درصد) کاهش حجم تولید و فروش و همچنین کاهش نیروی انسانی را پیش بینی کرده اند؛ این موضوع نمایانگر اثرات کوتاه مدت بحران بر عملکرد عملیاتی و مدیریت منابع انسانی است. تنها ۱۴ درصد از شرکت ها برنامه ای برای افزایش نیروی کار دارند که نشان می دهد تمرکز غالب کسب وکارها بر مدیریت کاهش منابع انسانی است تا توسعه و رشد. از منظر مالی، ۵۶ درصد از پاسخ دهندگان انتظار بدتر شدن شرایط اقتصادی را دارند، ۱۱ درصد ثبات شرایط فعلی را پیش بینی کرده اند و تنها ۱۶ درصد نسبت به بهبود وضعیت امیدوار هستند. علاوه بر این، ۱۷ درصد از شرکت ها به دلیل ابهام و بی اطمینانی قادر به ارائه برآورد دقیق نیستند؛ این آمار نشان دهنده فضای گسترده نگرانی و بی ثباتی در میان فعالان اقتصادی است. بدبینی نسبت به آینده در صنایع ساختمان، نفت، گاز، پتروشیمی و فناوری اطلاعات بیشتر است، در حالی که کسب وکارهای بخش کالای مصرفی و کشاورزی نسبت به آینده خود خوش بین تر هستند.

موضوع «رفع تنش های منطقه ای و ایجاد محیط امن»، مهمترین مطالبه ای است که کسب وکارها از دولت انتظار دارند در اولویت سیاست گذاری قرار دهد (۵۱ درصد)؛ «تسهیل و تضمین دسترسی کسب وکارها به وام های کوتاه مدت و ضروری» و «تامین و تضمین زیرساخت های حیاتی (انرژی و حمل و نقل)» دیگر موضوعاتی است که بخش زیادی از کسب وکارها از دولت انتظار دارند مورد توجه قرار دهد. همچنین «ارائه معافیت یا تخفیف های مالیاتی» به عنوان موثرترین اقدام حمایتی دولت برای احیای

گروه اقتصاد: در دوره جنگ ۱۲ روزه، ۹۰ درصد کسب وکارها دچار «افت تولید» یا «توقف تولید» شدند. نتایج به دست آمده از نظرسنجی اتاق بازرگانی تهران نشان می دهد عموم فعالیت های اقتصادی کشور در دروه جنگ مختل شده است؛ هر چند که میزان و شدت آن برای همه بخش ها و گروه ها یکسان نبوده است. تأثیر جنگ بر کاهش درآمد شرکت های کوچک بیشتر بوده است؛ به نحوی که ۶۳ درصد این بنگاه ها حداقل ۵۰ درصد «کاهش نقدینگی» داشته اند در حالی که ۴۷ درصد شرکت های بزرگ کاهش نقدینگی بیش از ۵۰ درصد را تجربه کرده اند.

این نظرسنجی که کار مشترک اتاق بازرگانی تهران و ایران تلنت است نشان می دهد تأثیر جنگ بر زمینه فعالیت های مختلف، متفاوت بوده است اگر چه بطور کلی تمامی بخش ها به جز بخش حمل و نقل، حداقل ۵۰ درصد کاهش نقدینگی در زمان جنگ را تجربه کرده اند، اما بخش تولیدی (صنعتی) و بخش فناوری اطلاعات به ترتیب به میزان ۶۹ درصد و ۶۳ درصد بیش از ۵۰ درصد کاهش نقدینگی در زمان جنگ داشته اند. بخش حمل و نقل کمترین تأثیر منفی را دریافت کرده است. آنگونه که ۲۵ درصد هیچ تغییری در درآمدها نداشته اند. «کاهش تقاضای مشتریان»، مهم ترین عامل کاهش درآمد در روزهای ابتدایی جنگ بوده است (۶۶ درصد). «اختلال در زیرساخت اینترنت» و به دنبال آن «اختلال در زنجیره تأمین»، «عملیات بانکی» و «مشکلات نیروی کار»، از جمله مهم ترین موانعی بوده اند که کسب وکارها در حفظ یا تداوم عملیات خود با آن ها مواجه شده اند. همچنین ۷۳ درصد کسب وکارها در دوره جنگ با «اختلال در تأمین مواد اولیه» مواجه شدند، نکته قابل توجه آن است که بیش از نیمی (۵۲ درصد) از شرکتهایی که از داخل مواد اولیه خود را تأمین می کرده اند نیز دچار اختلال در تأمین شده اند. تقریباً نیمی از کسب وکارها (۴۷ درصد) توانسته اند برای حداقل ۵۰ درصد کارکنان و یا بیشتر، امکان دورکاری فراهم کنند و ۳۱ درصد اساساً امکان دورکاری نداشته اند. ۷۰ درصد شرکت ها برای دورکاری با چالش اختلال زیرساخت های اینترنتی روبه رو بوده اند. عمده شرکت ها حقوق پرسنل خود را در زمان جنگ بصورت عادی (یا دورکاری) محاسبه و پرداخت کرده اند (۶۹ درصد) و تنها ۱۸ درصد برای پرسنل خود در ایام جنگ مرخصی منظور کرده اند.

وضعیت کلی نشان دهنده آن است که هنوز عموم کسب وکارها در بازگشت به وضعیت پیش از جنگ با مشکل مواجه اند. ۷۴ درصد شرکت ها تولیدشان پس از جنگ نسبت به قبل از جنگ، دچار کاهش شده است. بازگشت به وضعیت عادی در پساجنگ برای کسب وکارهای کوچک دشوارتر است به نحوی که ۶۰ درصد درصد از کسب وکارهای کوچک و متوسط همچنان با کاهش ظرفیت تولیدی بیش از ۲۰ درصد نسبت به پیش از شروع جنگ مواجه هستند. در دوره